



از خاطره یک شهر قدیمی تا مال‌ها و هتل‌های لوکس اطراف حرم

مشهد؛ شهر پدیده‌های ناپدید

مشهد و ساختمان‌هایش

انواع و اقسام اسم‌هایی که «نکین» و «الماس» و «شرق» دارند بر سردر آسمان خراش‌های مدرن نصب شده‌اند. ورودی اکثر این مراکز تجاری شلوغ است و پرمشتی‌ری اما از آن عجیب‌تر موج مردمی است که در سالن‌ها و طبقات آن راه می‌روند و خرید می‌کنند. آیا مشهد تاکنون اینقدر خودش را شهری اقتصادی و تجاری دیده است؟ مشهد پس از بدل‌شدن به یک بافت شهری، شهر تجارت و دادوستد ادویه و سنگ‌های زینتی بوده؛ دو کالایی که زائران به یادگار می‌بردند. امروز اما در مجتمع‌های تجاری مشهد چه‌چیزی فروخته می‌شود؟ رقابت مراکز خرید هرروز بیشتروبیشتر از قبل شده، برندها قصد ورود به بازاری را دارند که می‌دانند از قبل آن خواهند توانست مشتری کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز داشته باشند. چنین بازار پرقابتی پای ساختمان‌سازها را هم به میان کشیده. مشهد حالا سرشار از ساختمان‌های بلند و درازی است که از کمترین کیفیت‌ها و اصول معماری برخوردارند و به جایش تا دل مشتری بخواهد ریزانند و پربزرگ‌دوز! (اطراف حرم امام‌رضاع) هرروز توسعه می‌یابد ولی همزمان با توسعه حرم، ساختمان‌های اطراف نیز بلندتر می‌شوند و دیگر نمی‌توان از دروازه‌های مشهد به امام‌رضاع) سلام کرد. غیراز هتل‌ها، برج‌های مسکونی و تجاری نیز قد برافراشته‌اند و آسمان مشهد را شبیه شهرهای هزاره سوم کشورهای توسعه‌یافته کرده‌اند. مهدی عزیزیان، مدیرعامل وقت سازمان توسعه و عمران حرم مطهر رضوی به «شرق» می‌گوید: برج‌سازان با گرفتن تراکم از شهرداری در اطراف حرم اقدام به ساخت‌وسازی می‌کنند. این برج‌سازان در زمان احداث، چندطبقه غیرقانونی به برج خود اضافه و بعد با دادن جریمه مشکلشان را با شهرداری برطرف می‌کنند. این در حالی است که با ساخت آنها شاید در چندسال آینده دیگر نتوان حرم را از خیابان‌های اطراف دید. مدیرعامل سازمان توسعه و عمران حرم مطهر رضوی با اشاره را ساخت هتل‌ی در ضلع جنوبی قبله حرم می‌افزاید: قرار نبود این هتل به این بلندی ساخته شود ولی آن را ساختند و دید زائران را از خیابان‌های اطراف به حرم کم کردند. وی ادامه می‌دهد: هنگامی که در این زمینه با شهرداری مکاتبه می‌کنیم، عنوان می‌کنند حتما با اینگونه ساخت‌وسازها برخورد خواهند کرد، اما حرکتی در این زمینه انجام نمی‌دهند. جالب اینجاست که نظارت بر ساخت‌وسازهای اطراف حرم برعهده شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی است.

بهداشت و سلامتی مشهد

اگرچه با ندای استاندان مبنی بر معرفی‌شدن مشهد به‌عنوان پایتخت معنوی ایران در دور سوم سفرهای استانی هیات دولت احمدی‌نژاد، همه به‌به‌وچه‌چه کردند و چشم‌پسته این طرح را «خیلی بزرگ و شجاعانه» توصیف کردند اما بودند مسئولانی که با دید کارشناسانه خود ارقام را پیش‌رو نهاده و از مسئولان بالادستی خود خواستند ابتدا به تغییر و بهبود شرایط موجود بپردازند و بعد در فکر چنین طرح‌های بزرگی باشند. به‌عنوان مثال رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در همان‌روزها اعلام کرد که امکانات مشهد در حد شهرهای دیگر نبوده و از متوسط کشوری نیز پایین‌تر است. نگرانی علیرضا مرندی در آن روزگار بیشتر به موضوع ضعف مدیریت در مشهد و عدم توجه مناسب به زائران اختصاص داشت. از همان زمان اصلی‌ترین اولویت مدیریت شهری در مشهد توجه به زائران شد. شهری که قرار بود پایتخت معنوی ایران باشد، بیش از آنکه نیاز به وجوه دیگر شهری داشته باشد، نیاز به خدمات‌رسانی سریع، آسان و قابل‌قبول به سرانه بالای زائران خود داشت تا هرسال به تعداد آنها پی‌یافزاید و زمینه‌ساز گسترش این روند شود. شهری که در ۱۸سال توانسته بود تنها هزارو۵۰۰کیلومتر از شش‌هزارکیلومتر شبکه فاضلاب خود را احداث کند، دست به کار تازه‌ای زد، تکنولوژی‌های جدید، شرکت‌های پیمانکار جدید و فعالیت‌های خدماتی مختلفی را به درون خود کشید غافل از اینکه پیامد چنین فعالیت‌هایی شاید روزگاری چندان موافق خصلت‌ها و ویژگی‌های مشهد نباشد.

کشف‌رود آلوده مشهد

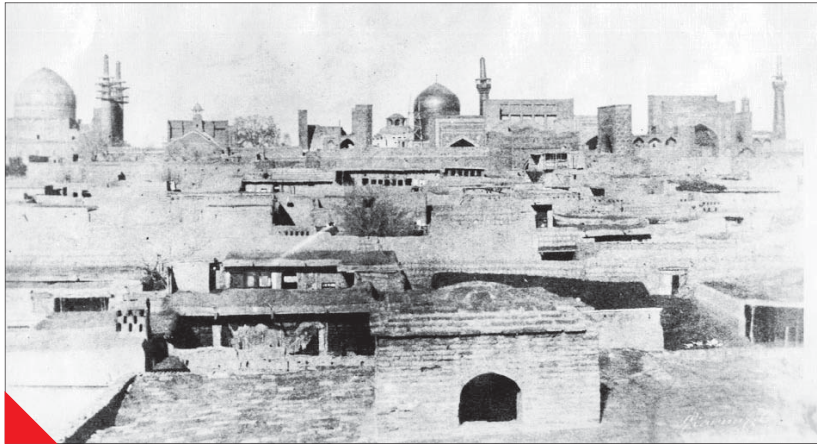
در پس مطرح‌شدن فاجعه زیست‌محیطی که در حاشیه رودخانه کشف‌رود مشهد در جریان است، بسیاری از گمانه‌زنی‌ها حکایت از ورود آلاینده‌های خطرناک زیست‌محیطی به بازار و بروز مشکلات بهداشتی درازمدت دارد. هنوز هم بسیاری از باغ‌ها و باغچه‌های اطراف مشهد که در حاشیه رودخانه انکار دارد به شهر پدیده‌ها بدل می‌شود؛ شهری که با جیب پرپولی ناشسته باشی خود را برای مقابله با بیماری‌هایی که از این طریق منتقل می‌شوند آماده

نوستالژی زیارت و فراموش‌شدگی

فاصله‌هایی که کوتاه‌تر می‌شوند

نابودی کاروانسراها، شهرها، دالان‌ها، بازارهای سرپوشیده و جایگزینی آن با نمونه‌های جدیدتر، چیزی است که امروز در شهر مشهد بیش‌ازپیش به چشم می‌خورد. خیابان‌های جدید روی محله‌های پیرچرخ‌مخم، اما به‌هم بافته‌شده قبلی قرار می‌گیرد و بدین‌ترتیب امکنتی مانند ارگ مشهد که در حاشیه خیابان و نزدیک به طرح توسعه قرار گرفته، تخریب و با کمی عقب‌نشینی، به بانک‌ملی مرکزی و کوچه‌ساربان‌ها که محل آمدوشد کاروان‌ها و اتراق آنها بود، به مجتمع تجاری تبدیل می‌شود. چهارباغ هم اگر می‌دانست که روزگاری قرار است با تبر به جانش بیفتند و بازار بزرگ مرکزی مشهد را به جایش بکارند، اصلا سبز نمی‌شد. این سرنوشت گریان بسیاری دیگر از محله‌ها را که اکنون جز نامشان، حتی خاطره‌ای از آنها در اذهان نیست، گرفته است.

زاویه



مشهد از ۱۳۰۹ تا ۱۳۰۴

حاشیه

شیراز و تراژدی تخریب اسکندری

هما نصرتی؛ شهری که به پایتخت تمدن و فرهنگ ایران شهره است، سال ۹۳ عجیبی را از سر گذراند. یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین محله‌های تاریخی شیراز شبانه با خاک یکسان شد تا طرحی تصویب‌نشده در آن به اجرا درآید. در اواخر مهرماه بود که محله اسکندری دو خانه مهم و تاریخی خود را از دست داد؛ خانه پورتراب و خانه اصغرزاده. اما هنوز دعوا بر سر تخریب این دو خانه پایان نگرفته بود که شهرداری شیراز شبانه‌خانه ثبتی دیگری به نام خانه «حلی‌ساز» را نیز با خاک یکسان کرد تا نابودی محله اسکندری با در معرض خطر قرارگرفتن چهار خانه ثبتی دیگر کامل شود. گفته می‌شود وضعیت چهار خانه دیگر در معرض خطر است. چهار خانه تاریخی دیگر به نام‌های بهرامی، سلیمی، منتصری و اکبری که در نزدیکی حرم «شاه‌چراغ» هستند، نامعلوم است و بیم آن می‌رود در شب‌های آینده این خانه‌ها نیز ویران شوند.

پیشینه بسیاری از خانه‌های محله اسکندری به دوره ایلخانی می‌رسد و شهری که قرار است ارزشمندترین آثارش را برای بازدید همگان، زنده و سرپا نگه دارد، با تخریب این محله، عملا به ریشه خود تیشه زد.

در میان واکنش‌ها، اصلی‌ترین مسئله بر سر این موضوع بود که چرا پس از اقدامات پیشگیرانه سازمان میراث فرهنگی کل کشور و بازدید مسئولان استان اعم از (استادری، فرمانداری، مسکن‌وشهرسازی، شهرداری و میراث‌فرهنگی) که خواست توقف تخریب بافت تاریخی تا بررسی کامل شده بودند، ویرانی‌ها همچنان ادامه داشت و درنهایت، نامه رئیس سازمان میراث‌فرهنگی به رهبر معظم انقلاب، گویی فعلا تخریب‌گران را از ادامه این روند باز داشته. افق و آینده شیراز این سؤال را مطرح می‌کند که شیراز به کدام‌یک بیشتر نیاز دارد؛ اجرای یک طرح کارشناسی‌نشده و غیرمصوب یا حفظ آثار تاریخی یک ملت که بنا بر ضرورت تاریخی در شیراز مانده؟

خانه پورتراب که متعلق به دختر فتحعلی‌شاه و از روزگار زنده و یکی از مهم‌ترین خانه‌های محله اسکندری بود، به همراه چندین‌خانه ثبتی دیگر ویران شده که اسنادشان در سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان موجود است. این تخریب‌ها در پی طرح توسعه حرم احمدبن‌موسی(ع) صورت گرفته و حالا سازمان میراث‌فرهنگی در مقام مدعی‌العموم خواستار پایان‌دادن به این تخریب تاریخی شده. طرح ۵۷۲ هکتاری بافت تاریخی مصوب نشده و درخواست استعلام آن به میراث فرهنگی نرفته است. شکی نیست توسعه و عمران از ضرورت‌های هرشهری است، ولی این توسعه باید با مطالعه و مشورت با همه نهاده‌ها و ارگان‌ها صورت گیرد و منافع مردمی را نیز در نظر داشته‌باشد. همچنین می‌توان با حفظ بافت تاریخی و خانه‌های قدیمی و زیبای شهر، به عمران و آبادی پرداخت. در این صورت می‌توان با حفظ و نگهداری بافت و آثار تاریخی شهر و با نگاهی به زیرساخت‌ها شرایط گردشگری در این شهر را فراهم کرد.

هیچ شهر مهم و تأثیرگذاری در جهان، راه توسعه و به‌روزشدن را بر خود نمی‌دند. هیچ شهروندی نیست که از راحتی دسترسی‌های عمومی، افزایش خدمات شهری و گسترش حمل‌ونقل عمومی بدش بیاید، اما واقعیت این است که شهر شیراز با توجه به بنیه تاریخی‌اش در مسیر توسعه‌ای که بخواهد قرار بگیرد، راهی جز حفظ گذشته ندارد. شیراز برای شیرازی‌ها و برای همه مردم دنیا، شهر خاطره و تاریخ است و هرخشتی از آن که جابه‌جا می‌شود، اگر مسئولیتی ایجاد نکند، قطعا راه برگشتی پیش پای آیندگان نخواهد گذاشت!

شماره ۲۲۷۵ • دوازدهم • روزنامه شرق

زاویه مجازی

فراموش‌شدگی شهری در شرق

مهدی بختیاری

پایتخت‌های سیاسی، اهمیت بسیاری دارند. کانون تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌اند. تصمیم‌سازها غالباً و تصمیم‌گیرها کاملاً در پایتخت هستند بنابراین می‌توان گفت اعتبارات اقتصادی و حتی اعتبار شخصیتی هم آنجاست. اصلاً رسانه آنجاست، فرهنگ آنجاست و هنر آنجا قد می‌کشد و حتی هنرمندان دیگر شهرها نیز، آنجا را دریا می‌دانند که باید تنی به آب آنجا زد... . بنابراین رحل اقامت نیز به آن شهر می‌افکنند، تهران را نگاه کنید چقدر «فربه» شده است. هرکس می‌خواهد دیده شود، می‌خواهد خود را برکشد، لاجرم می‌رود تهران و لااقل تهران‌نشین می‌شود و صدابلته سعی می‌کند از فرق‌سر تا انگشت پا تهرانی هم بشود. چون تهران «پایتخت» است و همه‌چیز نیز پای «تخت»! اما یک مسئله هست که اگر روزی قرار باشد، «پایتخت» به سمنان، شیراز، اصفهان، تبریز، یا هرکجای دیگر منتقل شود، همه شأنیت پایتختی نیز از تهران به آن شهر می‌رود. هنر می‌رود، رسانه می‌رود و تصمیم نیز هم.

اما ما یک پایتخت دیگر هم داریم که هیچ‌جا نمی‌رود و آن «پایتخت معنوی ایران» است؛ مشهدالرضا(ع) پایتختی که شأنیت خوش را با مشهد و شهداتگاه امام‌هشتم‌شدن به دست آورده است نه براساس قراردادهای سیاسی، عرفی، اجتماعی و حتی حقوقی.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران»دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش از زبان‌ها صادر شود، بلکه واقعیت است با حقیقتی به نام حرم‌مطهر امام‌رضا علیه‌السلام و خورشیدی که نه‌تنها «شمس‌توس» که «حضرت شمس‌الشمس» است و خورشید روزی روز خور نور او.

بنابراین مشهد را «پایتخت معنوی ایران» دانستن یک تعارف نیست که فقط بر کاغذ نقش بسته باشد و باز به تعارف، کلمه‌به‌کلمه‌اش